

نفوذی ها کی هستند و چه باید کرد؟

محمد رضا هویدا

مدتهاست که در افغانستان سخنانی از نفوذی های دشمن زده می شود و حالا سخنانی از ستون پنجم است. سقوط کندز بحث از نفوذ دشمن در میان کارمندان دولتی در لایه مختلف را به شدت بالا برد. در رسانه های اجتماعی این بحث به شدت جریان داشت و دارد که سقوط کندز به دور از تباتی میان افراد و مقاماتی از دولت چه محلی و چه مرکزی اسکان پذیر نبوده است. آنها به ناپایده گرفته شدن هشدارها در مورد حمله طالبان به کندز اشاره می کنند.

روز گذشته داکتر عبد الله تیز به تویی به این مسئله اشاره کرد. او گفت که هیچکس حق ندارد در داخل نظام از طالب و تروریست حمایت نماید. این رویکرد به نظام آسیب میرساند و پایه های نظام را لرزان می سازد و حکومت به کسی اجازه نمی دهد با استفاده از فضای امن دست به چنین کاری بزند. پیش از این عبد الرسول سیاف نیز هشدار داده بود که دشمن در زیر زنگ ما قرار دارد. اگر دشمن را در اینجا تصفیة یا حداقل از صف خود دور نکنیم، با خطرهای قوی و جدی مواجه خواهیم شد. سیاف با تاکید گفته بود که همین حالا تعدادی از جنایتکاران مزدور در داخل شهر همین قدر مسلح هستند که فرصت را هر وقت مناسب ببینند، بر ضد ملت و نظام در همین جا قیام می کنند.

با نگاهی گذرا به سالهای گذشته، زمانی را می بینیم که سربازان و مریان خارجی اردو و پولیس ملی توسط سربازان افغان که در حقیقت نفوذی های طالبان بودند به قتل می رسیدند و به همین دلیل نیز بسیاری از برنامه های آموزشی توسط مریان خارجی با مشکل روبرو شد. هشدارها در آن زمان سودی نبخشید. بعد از آن حوادث زیاد دیگری اتفاق افتاد. سربازانی به دست همقطاران خود کشته شدند.

اما حال، هشدارها کاملا جدی است. این هشدارها به اصل حفظ و بقای نظام بر می گردد. منبع هشدارها نیز سربازان و مقامات بلند رتبه دولتی هستند که می بایست از اوضاع افغانستان و ریزه کاری های درون دولت آگاهی داشته باشند. اینکه میزان این هشدارها چقدر جدی است و اینکه این هشدارها به چه منظوری داده شده است و اینکه ملاحظات سیاسی در این گونه هشدارها مطرح است بحث دیگری است، اما نشانه ها از وجود هشدارهایی جدی در درون دولت خبر می دهند. دولت افغانستان در همین یکی - دو ماه اخیر با حملات بی سابقه ای روبرو شده است. این حملات جغرافیای جنگ را کاملا تغییر داده است. جنگ از جنوب به شمال کشیده شده و شمال در آتش جنگ می سوزد.

در این میان، آنچه می تواند دولت را در برخورد و مبارزه با طالبان یاری رساند، وحدت و هماهنگی و جدیت در مبارزه با طالبان است. اگر دولت نتواند نیروهای خود را به صورت کاملا دقیق متحد و منسجم بسازد و یا در درون دولت مخالفت ها و ناهماهنگی ها و حتا در صد پایینی از کارشکنی وجود داشته باشد، در آن صورت، دولت از درون با مشکل مواجه بوده و توان مقابله با تهدیدهای بیرونی را از دست خواهد داد. سطح هشدارها با توجه به حملات طالبان نگران کننده است. این نگرانی زمانی بیشتر می شود که تقریبا اکثر کسانی که باید به مردم آرامش بدهند از وضعیت شکایت می کنند و بغش دیگری از دولت که باید جدا اقدام کنند، خود را آسوده خاطر نشان می دهد. طبیعی است که در چنین وضعیتی اگر دولتی وزیر دفاع نداشته باشد، و هیچ نشانه ای از جدیت برای معرفی شخصی کارگرفته و مدیر و مدبر در این پست حساس دولتی وجود نداشته باشد، مردم نگران باشند.

رفتار دولتمردان نیز خود مزید بر علت است. دولتمردان باید در کنار هم باشند و موضع متحدانه حد اقل در مقابل با مشکلاتی را داشته باشند که اصل نظام و حکومت را هدف قرار می دهد.

حمله تروریستان بر برج های دوقلو آغاز بر خورد جامعه جهانی با این گروه بود. از آن زمان تا کنون، غرب و در رأس آن آمریکا در افغانستان، لیبی، عراق، سوریه، پاکستان و در کل در کشورهای خاورمیانه به تعقیب تروریسم بوده است. با گذشت بیش از یک دهه اما، جنگ تروریسم نه تنها تضعیف نشده است بلکه پناهگاه ها و لانه های آن در سراسر خاورمیانه گسترش یافته است. در مبارزه با تروریسم اشتباهات زیادی صورت گرفته است. نگارنده در پی آن نیست که اشتباهات غرب و دولت های خاورمیانه را مورد بررسی قرار دهد. بلکه نویسنده به دنبال آن است تا این مهم در افغانستان پی گیرد.

جرج بوش، رئیس جمهور سابق ایالات متحده آمریکا بعد از حملات ۱۱ سپتامبر خطاب به جامعه جهانی و کشورهای خاورمیانه گفته بود که کشورهای جهان و خاورمیانه باید استراتژی خود را در مبارزه با تروریسم مشخص کند که با ماست یا علیه ما. از آن زمان به بعد همه کشورهای خاورمیانه اعلان همسویی نمودند. ایران، یکی از مخالفان ایالات متحده آمریکا در منطقه سیاست همسویی را در پیش گرفت. پاکستان با وجود تنش ها و زد و بند ها همسو با غرب سیاست خود را در قبال گروه های بنیادگرا و تروریسم تغییر داد. با وجود همسویی و اتحاد کشورها در مبارزه با تروریسم، این گروه تضعیف نشد و امروزه به شکل قدرتمند عمل می کند. قدرتمندی تروریسم ریشه در اشتباهات ایالات متحده آمریکا و پیمانان شان دارد.

اول: یکی از بزرگترین اشتباهات ایالات متحده آمریکا در افغانستان تفکیک میان القاعده با رهبری بن لادن و گروه های بنیادگرا در افغانستان بود. گروه طالبان به عنوان حامی القاعده به عنوان تروریسم محسوب نمی شد. اگر چه، آمریکا موفق شد امارت اسلامی گروه طالبان را سقوط دهد اما با گذشت زمان کمتر تمایل به تعقیب آن ها داشت. این در حالی بود که گروه طالبان و القاعده به صورت مشترک در مناطق مرزی کشور با همدیگر در ارتباط بودند و به صورت مشترک بر نیرو های بین المللی و امنیتی افغانستان حملات را سازماندهی می نمودند. تفکیک میان این دو گروه باعث شد که القاعده در سایه گروه طالبان به فعالیت خود ادامه دهد و از لانه های آن ها سود جوید. اکنون هم القاعده و هم گروه طالبان به صورت مشترک فعالیت می کند و به صورت گسترده در سراسر افغانستان

عملیات خود را سازماندهی می کند. اشتباه است اگر بپنداریم که در حملات گروه طالبان در ولسوالی ها و ولایت ها القاعده و دیگر شبکه های تروریستی همدست نیست. این گروه ها به صورت مداوم با همدیگر کار کرده اند و به صورت مشترک آموزش می بیند. دوم: در سال های آغازین حضور جامعه جهانی در افغانستان گروه طالبان و القاعده در کمترین زمان ممکن شکست خوردند. آمریکا به نوعی جنگ در افغانستان را تمام شده اعلان نمودند. به همین خاطر، با خاطر آسوده طرح حمله بر عراق را سازماندهی نمودند. آمریکا در افغانستان به دنبال «ملت سازی» نبودند. آن ها حتی حاضر به شکل گیری حکومت مرکزی و رشد و تقویت نیرو پناه داده می شود. گروه های تروریستی بدون پناه دهی و حمایت مردم محل قادر

یک دهه اشتباه در مبارزه با تروریسم

علی قادری



ایالات متحده آمریکا در کنفرانس توکیو پذیرفت که آموزش اردوی ملی افغانستان را به عهده بگیرد و از شکل گیری حکومت در کابل سه خاطر انتخابات ۲۰۰۴ در آمریکا حمایت کند. برگزاری انتخابات در افغانستان و شکل گیری حکومت مرکزی استفاده ابزاری برای بوش و تیم همراه او داشت. او در واقع از انتخابات و حکومت افغانستان بیشترین استفاده تبلیغاتی ممکن را برد. بنابراین، دومین اشتباه ممکن غربی با در افغانستان کم اهمیت گرفت ملت سازی در افغانستان بود. در اثر همین بی توجهی است که امروزه تنش ها و شکاف های قومی در افغانستان فعال است و گروه های تروریستی به شکل بی سابقه از سوی مردم حمایت می شود و اردوی ملی گام های اساسی برداشت اما تا هنوز نتوانسته است بخش نیروی هوایی

امپریالیسم جدید

جان بلای فاستر / ترجمه احمد سیف / قسمت پنجم



و حتی آب. برای کشورهای سرمایه داری عمده مسئله محدودیت های محیط زیست به این صورت تعبیر شد که باید منابع را در بخش جنوبی جهان کنترل کنند. عمده ترین مورد امپریالیسم منابع طبیعی آن چیزی است که روبرو شد در ۱۲ سال گذشته و پیش از آن رییس طرح ریزی سیاست پردازی در وزارت امور خارجه زیر ریاست کالین پاول در طول اشغال عراق در ۲۰۰۳ آن را جنگ سی ساله ای جدید در خاورمیانه نامیده است که هدف از آن کنترل بخش عمده ای از عرضه نفت جهانی است. به علاوه این جنگ سی ساله ای جدید بخشی از استراتژی بزرگ ناتو به رهبری آمریکا برای این است که بخش بزرگی از این هلال ژئوپلیتیک که «هلال بی ثباتی» نامیده می شود از شرق اروپا و بالکان تا خاورمیانه و شمال افریقا تا آسیای مرکزی را که منطقه نفوذ سه گانه بود تحت کنترل در بیاورد، یعنی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال های اولیه ۱۹۹۰ عقیده بر این است که همه این مناطق را می توان قاپبند. در این ۲۵ ساله که از سقوط اتحاد جماهیر شوروی می گذرد این تهاجم امپراتوری به جلدی خشن و تجاوزگرانه بود که چیزی نمانده به صورت جنگ سرد دوم با روسیه در حال شکل گیری باشد. مسابقه تشدیدشونده بر سر منابع در این مبارزه ژئوپلیتیک کنونی به موج تازه ای از استخراج منابع منتهی شده است که به همه گوشه های کره ی زمین سرک می کشد، و به طور روزافزونی در قطب شمال صورت می گیرد؛ جایی که آب شدن یخ به خاطر تغییرات آب و هوایی

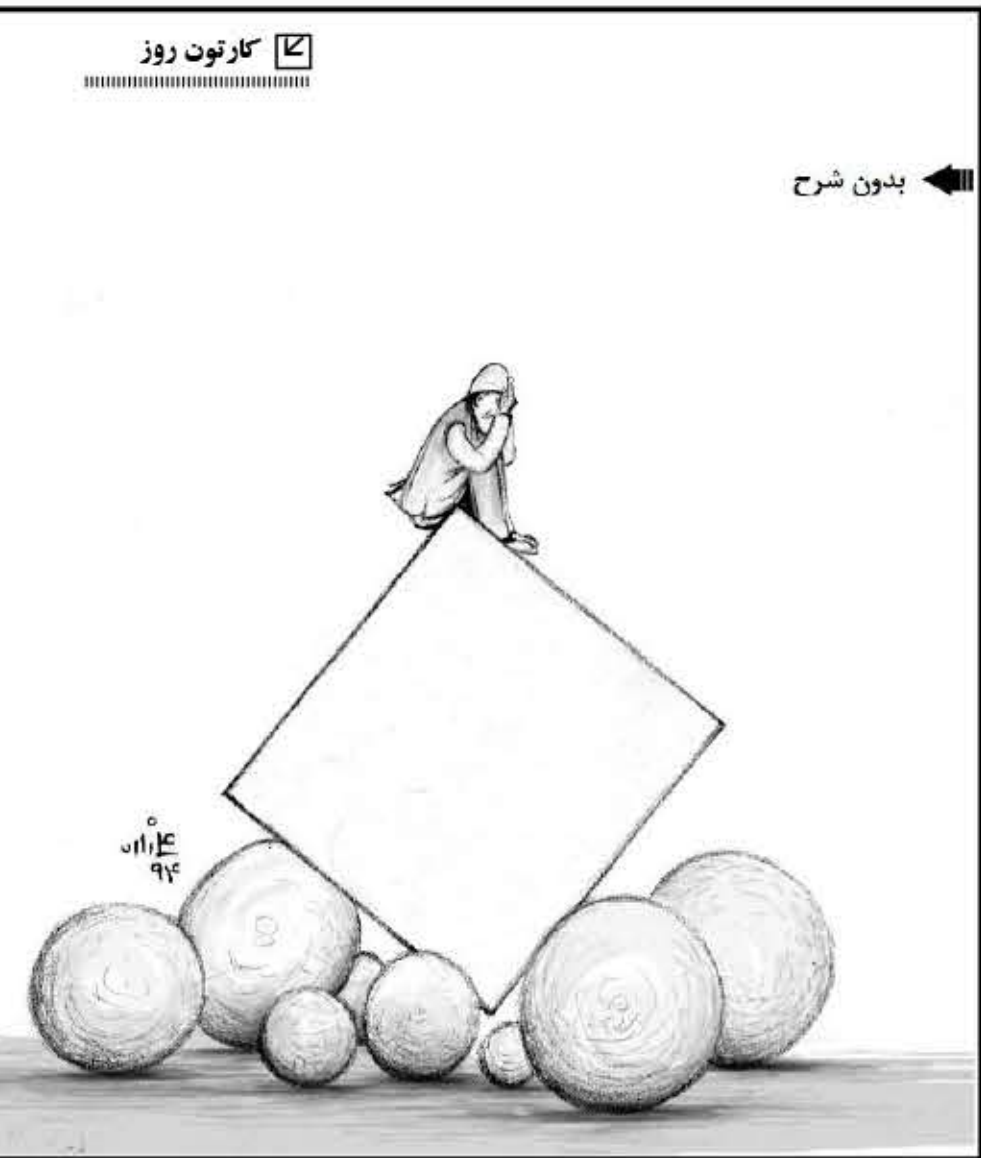
بازی، کالاهای ورزشی، کالاهای مصرفی الکترونیکی، قطعات خودکار، کفش، و لباس این شیوه تولید در میان بنگاه های فرامیلتی تعیین می کنند در بخش خدمات هم به کار گرفته می شود. مراکز پاسخ دهی تلفنی در ۲۰۰۲ تصمصیم گرفته شد از ایرلند به هندوستان منتقل شود موجب شد تا میزان مزیی که به کارگران پرداخت می شود ۹۰ درصد کاهش یابد.

به گفته زاهد حسین، اقتصاددان ارشد بانک جهانی، در صنعت پوشاک بین المللی که در آن تولید تقریبا به طور کامل در بخش جنوبی جهان صورت می گیرد هزینه ی مستقیم کار به ازای هر واحد لباس تقریبا یک تا سه درصد بهای خرده فروشی آن است. هزینه ی مزد برای یک تی شرت گل دوزی شده که در جمهوری دومینیک تولید می شود در حدود ۱.۲ درصد بهای خرده فروشی آن در امریکاست. به همین ترتیب هزینه ی کار - از جمله کار سرپرست خط تولید - برای یک پیراهن بافتنی که در فیلیپین تولید می شود ۰.۱۱ درصد بهای خرده فروشی است.

هزینه ی کار در کشورهای چون چین، هندوستان، اندونزی، ویتنام، کامبوج و بنگلادش به مراتب از آن چه در بالا گفته شد کم تر است. (۴۱) در نتیجه ارزش مازادی که از این کارگران اخذ می شود بسیار چشمگیر است ولی این واقعیت با این که سهم عمده از ارزش ایجاد شده در فعالیت هایی چون (بازاریابی، توزیع، حقوق مدیران) در کشورهای واردکننده ی ثروتمند نسبت داده و از هزینه مستقیم تولید کنار می گذارند تکمان می شود. در ۲۰۱۰ خرده فروشی سوئدی هسنس و ماوریتس از قرارداد دوم خود در بنگلادش تی شرت را به قیمتی می خرید که سهم کارگران به ازای هر تی شرت تنها دو تا پنج سنت (یورو) بود.

نایک که آغازگر شیوه تولید بین المللی بدون استفاده از سرمایه ی خود است همه ی تولید خود را به صاحبان قرارداد دوم در کشورهای چون کره جنوبی، چین، اندونزی، تایلند و ویتنام برون سپاری می کند. در ۱۹۹۶ یک لنگه کفش نایک که از ۵۲ قطعه ساخته شده بود با قرارداد دوم در پنج کشور مختلف تولید می شد. کل هزینه مستقیم کار برای تولید یک جفت کفش بسکتبال نایک که در امریکا به قیمت ۱۴۹.۵۰ دلار به فروش می رفت تنها یک درصد یا ۱.۵۰ دلار بود.

امپریالیسم در ضمن درگیر مسابقه برای دست یابی به منابع هم هست به خصوص منابع استراتژیک انرژی، مثل هیدروکربن ها و همین طور اغلب فلزات اساسی و همین طور هر آن چه که برای زندگی لازم است، غذا، جنگل ها، زمین



بدون شرح

- صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
- مدیر مسؤل: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی

□ کاریکاتورست: خالق علی زاده

□ دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری

□ مسؤل وب سایت: مهدی صالحی

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۷

□ روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

□ هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود.

□ مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگرو دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

□ روزنامه افغانسان بخش دری و پشنوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

□ www.dailyafghanistan.com

□ Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان
The Daily Afghanistan
Outlook
AFGHANISTAN
The Daily's Premier Partner